

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۲/۴/۱۹

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه هنر

دانشکده پردیس باغ ملی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته صنایع دستی

موضوع:

شناخت اصطلاحات و واژه‌های بومی رایج در دست‌بافته‌های ایل قشقایی

استاد راهنما:

دکتر صمد سامانیان

استاد مشاور:

دکتر محمدتقی آشوری

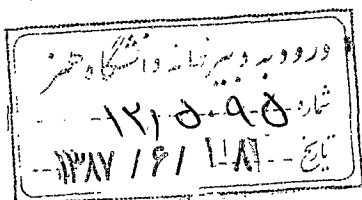
لایحه اطلاعات مدرک علمی بران
توسط کمیته مدرک

نگارش و تحقیق:

اشکان رحمانی

۱۳۸۸/۵/۱۵

شهر یورماه ۱۳۸۷



۱۲۱۲۱۹

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه شهید

دانشکده پردیس باغ ملی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته صنایع دستی

موضوع:

شناخت اصطلاحات و واژه‌های بومی رایج در دست‌بافته‌های ایل قشقایی

استاد راهنما:

دکتر صمد سامانیان

استاد مشاور:

دکتر محمدتقی آشوری

«این پایان‌نامه توسط مرکز ملی فرش ایران مورد حمایت قرار گرفته است»

نگارش و تحقیق:

اشکان رحمانی

شهریورماه ۱۳۸۷

تقدیم به:

روح پدر بزرگوار

کہ بال و پر پروازم

بخشد

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	ت
مقدمه.....	۱
فصل اول: اسامی و اصطلاحات انواع بافته‌ها.....	
۱. دست‌بافته‌های گره‌دار (پرزدار).....	۵
۲. دست‌بافته‌های پودکشی (دورویه).....	۸
۳. دست‌بافته‌های سوزنی.....	۱۲
۴. گروه طناب‌ها.....	۱۶
فصل دوم: اسامی و اصطلاحات انواع تکنیک بافت دست بافته‌ها.....	
۱. دست‌بافته‌های گره‌دار (پرزدار).....	۲۱
۲. دست‌بافته‌های پودکشی (دو رویه).....	۲۸
۳. دست‌بافته‌های سوزنی.....	۳۰
۴. آماده‌سازی مواد اولیه.....	۳۶
فصل سوم: اسامی و اصطلاحات انواع مواد و مصالح.....	
۱. مواد اولیه بافت.....	۴۰
۲. مواد اولیه رنگرزی.....	۴۷
۳. ابزار.....	۵۶
فصل چهارم: اسامی و اصطلاحات انواع طرح و نقش.....	
۱. دست‌بافته‌های گره‌دار (پرزدار).....	۶۵
۲. دست‌بافته‌های پودکشی (دو رویه).....	۸۲
۳. دست‌بافته‌های سوزنی.....	۹۳

فصل پنجم: اسامی و اصطلاحات فرهنگی و قومی پیرامون موضوع

۱. اصطلاحات فرهنگی ۹۶
۲. طوایف و تیره های بافنده ۹۷
۳. حوزه های بافندگی ۱۰۰

نقشه کوچ ۱۰۲

نتیجه گیری ۱۰۵

منابع ۱۰۶

فهرست علائم اختصاری

(x) خ	(a).....آ
(d) د	(ă) آ (فتحه)، ع
(z) ذ، ز، ض، ظ	(e) ا (کسره)
(r) ر	(u) او
(ž) ژ	(o) او (ضمه)
(š) ش	(ü)..... او
(ğ) غ	(ö) او
(F) ف	(ë) ائ (کسره ظریف)
(q) ق	(I) ای (کسره ضخیم)
(k) ک	(i) ای
(g) گ	(b) ب
(L) ل	(p) پ
(m) م	(t) ت
(n) ن	(s) ث.ص.س
(v) و	(c) ج
(w) و	(č) چ
(y) ی	(h) ح، ه

پیشگفتار

آنچه مقابل دیدگان شماست سیاه‌مشقی درباره هنر دست‌بافته‌های عشایر ایل قشقایی است. این پایان‌نامه دانشجویی با عنوان "شناخت اصطلاحات و واژه‌های بومی رایج در دست‌بافته‌های ایل قشقایی" در توصیف دنیای پرتحرک و پویای ایل قادر نخواهد بود. هنر دست‌بافته‌های ایل به عنوان یکی از عوامل اصلی فعالیت‌های اجتماعی زنان محسوب شده که بدون مهارت بافندگی از منزلت آن‌ها کاسته می‌شود. با توجه به روند روبه‌رشد اسکان یافتگان عشایر ایل قشقایی و کم شدن فعالان در حوزه بافندگی، تغییر سیستم تولید از خویش‌فرمایی و تولید سنتی به کارفرمایی و سفارش‌پذیری امکان فراموشی واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی در دست‌بافته‌ها را دوچندان کرده است. شاید بیان استاد پرویز تناولی در خصوص اصطلاحات بی‌ارتباط با موضوع ما نباشد: هرچه فرش‌بافی در کشور ما غنی و متنوع است، برعکس اصطلاحات مربوط به آن محدود و ناچیز می‌باشد. بی‌توجهی گذشتگان در مورد ثبت اصطلاحات و واژه‌های بافندگی باعث شده تا برای ده‌ها نوع بافت در این سرزمین دو یا سه واژه بیشتر وجود نداشته باشد. بیش از سی نوع بافت را خبرگان فرش "گلیم" می‌نامند که تنها یکی دو نوع آن گلیم است و به دهها بافت دیگر سوزنی می‌گویند که هیچکدام سوزنی نیست. طبیعی است که برای هر پدیده‌ای که به دست بشر ساخته می‌شود نام و یا اصطلاحی نیز در نظر گرفته می‌شود.

به همین دلیل گردآوری واژه‌های مربوط به دست‌بافته‌های ایل قشقایی یک نیاز احساس می‌شود. در گردآوری واژه‌ها که حدود کمتر از ۲۵٪ آن در پایان‌کتاب‌ها به آن اشاره شده بود مابقی از طریق تحقیق میدانی صورت پذیرفت در گردآوری واژه‌ها مشکلات زیادی وجود داشت که در ذیل به صورت مختصر به آن اشاره می‌شود: ۱. گردآوری واژه‌ها در عشایر مثل کارگاه‌های شهری نیست که صنعتگر در طول روز ساعت معینی را در کارگاه سپری نماید و تعداد فعالان مشخص باشد و در عشایر شاید به یک منطقه و طایفه‌ای مراجعه نموده و هیچکدام از آن‌ها، قالی یا گلیم و یا ... سر دار نداشته و یا اینکه زبان بیان نگارنده با استنباط آن‌ها مطابقت نداشته باشد و به خصوص در قسمت طرح و نقش این عدم تطابق بیشتر حس می‌شود. نگارنده ابتدا باید تمامی طرح‌ها، نقش‌ها و اصطلاحات مربوط به بافته‌ها را می‌دانست و آن‌ها را همراه داشت و سپس نظر آن‌ها را جویا می‌شد همین عمل دایره اطلاعات نگارنده را محدود به طرح و نقشی می‌کرد که یا نگارنده همراه داشت و یا آن‌ها در منطقه به آن نوع بافت‌ها دسترسی داشتند و اگر این امکان فراهم نبود آن‌ها اصطلاحاتی را به کار می‌بردند که نگارنده با

آن آشنایی نداشت ولی می‌بایست از طایفه یا تیره و یا بنکوی دیگری تحقیق نماید چه بسا تعدادی از واژه‌ها به همین خاطر بدون معنی و توضیح ماند. دکتر منوچهر کیانی بنکو، تیره و طایفه را چنین تعریف می‌کند. بنکو: گروهی از مردم ایل که در یکسری از مسائل مثل زمین و مرتع و خویشاوندی با هم مشترکند، جامعه کوچکی بوجود آورده و بنکو را تشکیل می‌دهند تیره: مجموعه ای از بنکوها که با هم روابط دوستانه، خویشاوندی، مشارکت مالی و مالکیت مشترک دارند و معمولاً با هم در حرکت و با هم اطراق کرده، همکاری و همیاری بین آنها برقرار است و زیر نظر یک کتخدا اداره می‌شوند. طایفه: مجموعه ای از تیره‌ها که سابقه طولانی در زندگی، معاشرت‌ها، مالکیت و همکاری‌های طایفه‌ای داشته‌اند، زیر یک کلاتر اداره می‌شوند و سید رزاق امیری در خصوص ایل چنین می‌گویند ایل: یک سازمان اجتماعی است که از مجموع تعدادی طوایف ثابت و متحرک تشکیل می‌گردد که زبان، فرهنگ، عادات و آداب و رسوم مشترکی دارند. ایل خطوط مرزی مشخص در بیلاق و قشلاق دارد و زیر نظر یک "ایلخان" و "ایل بیگی" اداره می‌شوند.

۲. در بعضی موارد واژه‌ای را اعضای یک خانواده به صورت متفاوت بیان و معنی می‌کردند تا اینکه بخواهیم طایفه به طایفه به صورت جداگانه آورده شود و همین عمل باعث می‌شد تا نتوانیم اشتراکات و افتراقات طایفه‌ای را مجزا بررسی نماییم.

تشکر و قدردانی:

- در پایان بر خود فرض می‌دانم از استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر سامانیان تشکر نمایم. زیرا اگر راهنمایی‌های ارزنده و گران‌قدر ایشان نبود هر آینه این تحقیق به انجام نمی‌رسید. عزت و سربلندی ایشان را از خداوند منان خواستارم.

- هرگز فراموش نخواهم کرد محبت‌های جناب آقای دکتر آشوری را که در طول تحصیل مشوقم بودند و زحمت استاد مشاوره این رساله را بر عهده گرفتند.

- مادر مهربانم که به عنوان مشاور در گردآوری واژه‌ها با من همکاری داشتند و موفقیت من را بر تنهایی خود ترجیح دادند.

- موفقیتیم را مدیون همسر عزیزم هستم که صبورانه گرفتاری‌ها و مشکلات را تحمل کردند.

- از دوستان و اقوام و خویشاوندان هم‌عشیره‌ای خود، همکاران در معاونت هنرهای سنتی و صنایع دستی فارس که مستقیم یا غیرمستقیم با اینجانب همکاری نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

چکیده

ایل قشقایی از بزرگترین ایل عشایر کوچروی ایران است که در استان‌های فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، اصفهان پراکنده گشته و بیلاق و قشلاق بیش از $\frac{2}{3}$ آن‌ها در فارس قرار دارد. این ایل از شش طایفه بزرگ عمده، دره‌شوری فارسیمدان، شش بلوکی، کشکولی کوچک، کشکولی بزرگ تشکیل شده است و هر طایفه از ایل با زیر مجموعه‌های آن (تیره و بنکو) با فرهنگ و آداب و رسوم شهرهای همجوار انس و الفت گرفته و تأثیراتی پذیرفته است بالطبع تأثیر این فرهنگ در دست بافته‌هایشان نیز مشاهده می‌گردد. از آنجائیکه طرح و نقش، تکنیک بافت، رنگبندی بافته‌ها دارای تنوع بالایی است با توجه به تعدد طوایف و تیره‌های ایل اصطلاحات و واژه‌ها برای این گونه بافت‌ها نیز متفاوت می‌باشد و با منسوخ شدن یکی از آن‌ها اصطلاحات کاربردی مربوط به آن رشته نیز از بین می‌رود. به همین خاطر جمع‌آوری تمامی واژه‌ها و اصطلاحات چه در عشایر کوچ‌رو و چه آن‌هایی که در قلمرو کوچ یکجانشین شده‌اند ضروری به نظر می‌رسد که واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی به صورت مدون و مصور جمع‌آوری گردد.

براساس روش تحقیق توصیفی این پژوهش ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در آثار مکتوب در زمینه دست بافت‌ها و ایل قشقایی آغاز گردید و سپس با مراجعه مستقیم به طوایف و تیره‌ها در بیلاق و قشلاق و مسیر کوچ آن‌ها تکمیل شد، در طی مراحل کار بیش از ۹۰٪ از عکس‌ها مستقیماً بهره‌گیری شد. در این تحقیق اصطلاحات و واژه‌های تمام دست بافته‌های رایج و مورد استفاده ایل، انواع تکنیک بافت دست بافتها، مواد و مصالح جهت بافت و رنگرزی و ابزار، طرح و نقش به کار رفته در سه گروه گره‌دار، دو رویه، سوزنی و همچنین اصطلاحات فرهنگی، طایفه‌ها و تیره‌های معروف بافنده و حوزه‌های بافندگی ذکر گردید و اصطلاحات مرتبط با آن‌ها در خصوص حوزه کاربرد بررسی و در توضیح آن‌ها با جستجو در آثار مکتوب و توجه به بومی بودن تعریف، شرح داده شد و در جاهایی که در مورد یک نام در بین تیره‌ها و طوایف مختلف چندین نام وجود داشت تمامی آن‌ها نوشته شد ولی آن واژه‌ای را که براساس حروف الفبایی مقدم‌تر بود توضیح داده شد و در واژه بعدی با علامت [←] به واژه قبلی ارجاع داده شد

مثال: اوزاد ماق (uzadmaq): چله کشی کردن - گرمک (gärmäk): [← اوزادماق (uzadmaq)

واژگان کلیدی: ایل قشقایی، دست بافته‌ها، واژه‌ها و اصطلاحات، فیروزآباد، فرش، گلیم، سوزنی

ایل قشقایی یکی از ایلات جنوب کشور را تشکیل می دهد. «در میان قشقایی ها شش طایفه بزرگ وجود دارد به قرار زیر: ۱- طایفه عمله ۴۷ تیره ۲- طایفه دره شوری که دارای ۵۱ تیره است ۳- شش بلوکی شامل ۲۰ تیره ۴- فارسیمدان دارای ۲۵ تیره ۵- کشکولی بزرگ دارای ۴۷ تیره و کشکولی کوچک که عبارت از ۱۴ تیره است.» (ایرجی ۱۳۷۸، ۱) «طبق سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده تیرماه ۱۳۷۷ تعداد جمعیت ایل قشقایی ۱۱۰۹۷۵ نفر ثبت شده است.» (سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۷۸، ۲۱) «آمارگیری خرداد ۱۳۸۷ جمعیت عشایر استان فارس را ۱۳۲۳۵۱ نفر اعلام نموده است.» (ماخذ: استانداری فارس) «مناطق قشلاقی قشقایی ها از خوزستان تا لارستان و تا نواحی غربی جنوبی، جنوب غربی و جنوب شرقی شیراز ادامه دارد. مناطق بیلاقی آنها شمال و شمال غربی شیراز را در بر می گیرد و کوچ فصلی قشقایی ها معمولا چهار تا شش هفته طول می کشد و در این مدت ممکن است صدها کیلومتر راه پیمایند.» (ابرینگ ۱۳۸۳، ۷) «اکثر قشقایی ها اصالتا ترک هستند و تقریبا همه آنها به زبان ترکی با گویش باختری غز صحبت می کنند.» (همان، ۲۱) «عرف و عادات و آداب و رسوم در میان ایلات مختلفه جنوب اغلب مشابهند.» (بهمن بیگی ۱۳۸۱، ۲۲) «قشقایی ها مردمی بلند اندام و اغلب دارای صورت گرد، چشم میشی و موی سیاه می باشند. در میان قشقایی ها بخصوص در میان دو طایفه دره شوری و فارسیمدان چشم آبی و موی زرد فراوان دیده می شود.» (همان، ۱۰۵) مردان کلاه نمودی دو گوش به سر می گذارند و لباس زنهار عبارت است از زیرجامه هایی که روی یکدیگر قرار می گیرد و تا قوزک پا می رسد، پیراهنی که از دو طرف تا نوک زیرجامه ها فرود می آید، چارقد نازک و دستمال بلند ابریشمی رنگینی که روی این چارقد بسته و از دو طرف آن را به پشت رها می کنند. افراد ایل مسلمان و مذهب شیعه دارند و دامداری شغل و حرفه اصلی آنها را تشکیل می دهد

این پایان نامه با عنوان "شناخت اصطلاحات و واژه های بومی رایج در دست بافته های ایل قشقایی" تمام واژه ها، اصطلاحات کاربردی و رایج دست بافته ها در تمامی طوایف، تیره ها، بنکوها در مناطق بیلاق و قشلاق و استان هایی که ایل قشقایی پراکنده است را شامل می گردد. با کمبود منابع موجود در خصوص اصطلاحات ترکی قشقایی و تحقیق میدانی، بدیهی است که در یک پایان نامه دانشجویی با مدت زمان معین نمی توان مطالب گسترده ای را جمع آوری کرد. با این وجود تا جایی که امکان داشت سعی شده با مراجعه به بیلاق و قشلاق شش طایفه بزرگ و تیره های آن، مسیر کوچ آنها در فصل بهار و پاییز، مناطقی که آنها اسکان شده اند، مصاحبه با تولیدکنندگان و بافندگان محلی

عشایر، واژه‌ها و اصطلاحاتی جمع آوری گردد و در تحقیق گنجانده شود که امروزه رواج دارد و در این میان در گردآوری واژه‌های کم‌کاربردتر کوتاهی نشده است. دکتر منوچهر کیانی در کتاب‌های کوچ با عشق شقایق، سیه‌چادرها و گرایلی و گودرز جمشیدی در کتاب ایل باشت باوی تعداد محدودی واژه‌ها را معنی نموده است. اسداله مردانی رحیمی در کتاب فرهنگ لغات و اصطلاحات قشقای نیز به واژه‌های دست‌بافته‌ها به صورت گذرا اشاراتی داشته است. این تحقیق با مشورت استاد دکتر سیروس پرهام و پیشنهاد ایشان بدست آمد و مطالب آن در پنج فصل مجزا گرد آمده است و به جهت مرتبط بودن بعضی از اصطلاحات به هم، امکان دسته‌بندی دقیق میسر نگشت و به جهت اینکه هر قسمت براساس حروف الفبا ردیف‌بندی شده در پاره‌ای موارد واژه‌ای توضیح داده شده که برای مردم ایل آشنا نیست و در ادامه واژه رایج‌تر با همین معنی به واژه اولی ارجاع خورده که ترتیب‌بندی حروف الفبایی باعث چنین محدودیتی شده است. به خاطر اینکه همه مردم یک طایفه در مورد یک اسم یک واژه را به کار نمی‌بردند، مشخص کردن یک واژه و نسبت دادن آن به یک طایفه امکان‌پذیر نشد و در بعضی واژه‌ها و اصطلاحات معنی فارسی برای آن یافت نشد و ناگزیر به توضیح آن شدیم.

فصل اول به معرفی انواع دست‌بافته‌های ایل می‌پردازد و توأم با معرفی دست‌بافته‌ها اصطلاحات مرتبط با آن‌ها نیز آورده شده است. به جهت سهولت در دسته‌بندی آن‌ها، براساس نوع تکنیک بافت تقسیم‌بندی گردیده است. ۱. دست‌بافته‌های گره‌دار (پرزدار): شامل گبه، قالی و ... ۲. دست‌بافته‌های پودکشی (دو رویه): شامل بافته‌هایی می‌گردد که هر دو روی آن قابل استفاده می‌باشد مانند گلیم و جاجیم ۳. دست‌بافته‌های سوزنی: آن گروه از دست‌بافته‌ها که یا از طریق پودپیچی بافته می‌شود و یا آن‌هایی که در فارس سوزنی می‌خوانند. ۴. گروه طناب‌ها: به جهت اینکه این دسته پرکاربردترین بافته‌های ایل بوده و اگر چه تعداد آن کم است ناگزیر شدیم اصطلاحات مربوط به آن‌ها در یک بخش مجزا بررسی نماییم و در مواردی نوع تکنیک بافت آن‌ها گره‌دار یا سوزنی و یا پودکشی است.

در فصل دوم تکنیک بافت انواع دست‌بافته‌های ایل بررسی گردید و اصطلاحات مربوط به پیرامون موضوع تکنیک بافت نیز آورده می‌شود. در کنار توضیح هر کدام از تکنیک‌ها تصاویر مربوط جهت درک بهتر اضافه گردید و تقسیم‌بندی این فصل نیز براساس دسته‌بندی کلی ۱. دست‌بافته‌های گره‌دار ۲. دست‌بافته‌های پودکشی و دو رویه ۳. دست‌بافته‌های سوزنی صورت گرفت و در بخش چهارم این فصل کلیه مراحل آماده‌سازی مواد اولیه که مرتبط با نوع ساختار بافت بود اعم از رسیدن، تابیدن و ... به صورت کامل توضیح داده شده است.

در ادامه فصل سوم انواع مواد مصالح و ابزار مورد استفاده را توضیح می‌دهد که شامل ۱. مواد اولیه بافت و توضیح واژه‌های مرتبط با آن است. ۲. مواد اولیه رنگریزی: اصطلاحات مربوط به گیاهان رنگریزی در دسترس ایل و رنگ‌های حاصله از آن و همچنین واژه‌های مربوط به مراحل کار. ۳. ابزار: در این قسمت علاوه بر اینکه خود ابزار توضیح داده شده به نوع کاربرد آن چه به صورت تصویری چه به صورت شرح توجه می‌شود. فصل چهارم معرفی و توضیح انواع طرح و نقش دست‌بافته‌ها است. به لحاظ مشترک بودن یک سری از نقوش در دست‌بافته‌های مختلف توضیح آن فقط در یک قسمت داده شده است و دیگر اینکه در قسمت قالی معمولاً برای خرده‌نقش‌ها اسم خاصی نیست. به عنوان مثال به تمام گل‌ها گل و به تمام پرندگان به جز طاووس قوش می‌گویند و اسم برای طرح و نقش اصلی است. مشترک بودن تعدادی نقوش گلیم و سوزنی باعث شده تا توضیح آن نقوش در بخش گلیم آورده شود و آن هم فقط به دلیل اولویت‌بندی بخش‌هاست نه به خاطر رایج‌تر بودن این دسته از نقوش در گلیم و کمترین واژه‌های نقوش در قسمت گبه و جاجیم است که تعداد کلی نقوش آن‌ها کمتر از ده عدد می‌باشد. در فصل پنجم اسامی و اصطلاحات فرهنگی و قومی پیرامون تحقیق، ذکر شده و این فصل نیز به سه بخش دسته‌بندی گردیده است. ۱. اصطلاحات فرهنگی که در فصل‌های پیشین امکان توضیح آن میسر نبود و در این بخش به صورت موجز اشاره شده است. ۲. طوایف و تیره‌های معروف در امر بافندگی. ۳. شهرها و روستاهایی که در قلمرو عشایر ایل قشقایی بوده به جهت مرادده فرهنگی با آن‌ها در امر بافندگی تأثیرگذار و تأثیرپذیر بوده که در آن محل نیز تولید دست‌بافته صورت می‌گیرد.

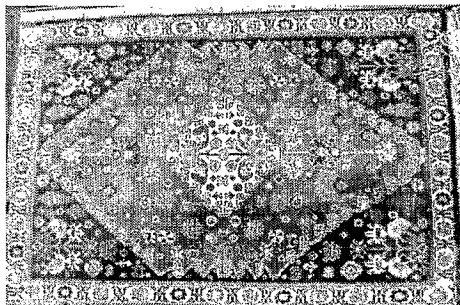
فصل اول:

اسامی و اصطلاحات انواع بافته‌ها

۱. دست‌بافته‌های گروه‌دار (پرزدار)
۲. دست‌بافته‌های پودکشی (دو رویه)
۳. دست‌بافته‌های سوزنی
۴. گروه طناب‌ها

۱. دست‌بافته‌های گره‌دار (پرزدار)

آیاق آلتی° (ayaq aLTI): زیرانداز، هر چیز گسترده‌ای در ایل قشقایی علاوه بر نم‌معمولاً دست‌بافته‌های پرزدار مانند قالی و گبه به عنوان زیرانداز استفاده می‌شود.



قالی لچک ترنج با نقوش گیاهی

پوشان (pušan): به تمام انواع دست‌بافته‌ها گویند.

ترک‌بند (Tärk bänd): ترک‌بند اسب.

«چننه‌های کوچکی را که در یک جفت چسبیده به هم بافته می‌شود خورجینه و خورجینک یا چننه جفتی می‌خوانیم (چننه‌های جفتی را در فارس "ترک اسبی" خوانند) چون غالباً بر پشت زین اسب می‌بسته‌اند.» (پرهام ۱۳۷۱، ۳)

ترک (Tärk): [← ترک‌بند Tärk bänd]

ترکی (Tärki): [← ترک‌بند Tärk bänd]

چاننا (čanta): چننه



چننه با نقش پرند

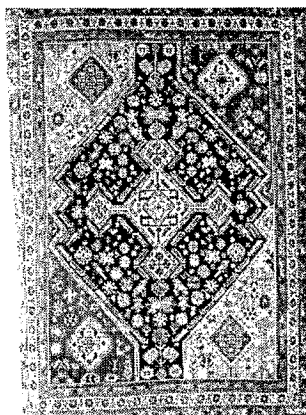
«این نوع کیف کاربردهای گوناگونی دارد و برای حمل اشیایی چون زیورآلات شخصی، آینه، لوازم دوخت و دوز و تعمیر، پول، تنباکو، نوشت‌افزار کاغذ و حتی قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد.» (هال^۱ ۱۳۷۷، ۳۳۰) کیسه مربع شکل به ضلع ۲۰ تا ۴۰ سانتی‌متر بیشتر با تکنیک گره‌زنی بافته شده و به وسیله رشته‌ای به پایه چادر بسته می‌شود.

چننه (čantä): [← چاننا čanta]

خونگ (xong): قالی و گبه‌ای که پرزهایش بر اثر استفاده از بین رفته باشد

^۱. Hall

قالی (qaLI): قالی



قالی لچک ترنج با نقوش
اشکالی

«در اصل فرش‌های دست‌بافت و یکپارچه است که از تارها، پودها و گره‌ها تشکیل یافته، هر قالی از بی‌شمار رج‌گره [بی‌شمار گره و رج‌شمار معین] ساخته می‌شود. روش کار به این قرار است که نخست تارها را بر دار (عمودی یا افقی) می‌کشند تارها را دو به دو با رشته‌های رنگین پشمین یا ابریشمی در امتداد عرض قالی گره می‌زنند و با شانه مخصوص به طرف رج‌گره خورده می‌فشارند.» (پاکباز ۱۳۷۵، ۳۸۴)

نقشپردازی قالی‌های قشقایی به طریق ذهنی بافی یا به کمک دستور که نگاره‌ها بر روی آن بافته شده انجام می‌گیرد.

از معروفترین طرحها: یک سر ناظم، بته قبادخانی، ماهی درهم و محرمات می‌باشد. معمولاً مواد اولیه مورد استفاده آنها عبارتند از تار و پرز: پشم - پود: پنبه

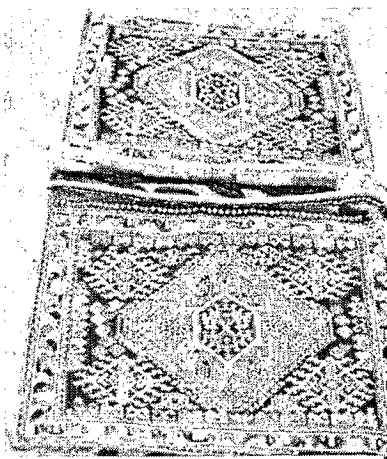
قالیچا (qaLIča): قالیچه



«قالی کوچک پارچه دست‌بافتی است پرزدار که فرش‌انداز آن به‌طور معمول کمتر از شش متر مربع باشد.» (دانشگر ۱۳۷۲، ۴۱۵)

قالیچه یازده ترنج با ابعاد ۸۰×۱۲۰ سانتیمتر

قالی - خورجون (qaLI xorcun): قالی - خورجین



قالی - خورجین

«فرشینه‌ای است به صورت کیسه‌ای بزرگ که از وسط دو دهانه دارد. آن را به نحوی بر پشت اسب یا الاغ می‌اندازند که هر قسمت آن در یک طرف حیوان به‌طور مساوی آویزان می‌شود و در آن انواع کالاها را می‌ریزند. خورجین را روستائیان و ایلیات عشایر از نوع قالی یا گلیم و از جنس پشم یا پنبه می‌بافند و معمولاً جدار بیرونی خورجین مانند فرش بافته می‌شود.» (دانشگر ۱۳۷۲، ۲۱۳) در ایل قشقایی معمولاً از جنس پشم بافته می‌شود.

قالین (qaLin): [← قالی ° qalI]

قجری (qāčari): قالیچه و یا بافته‌ای که برای زیور و زینت روی

زین اسب می‌اندازند.

کیف (KiF): کیف دستی زنانه، کیف اسناد و مدارک

این دست بافته با تکنیک گره‌دار و سوزنی بافته می‌شود.



کیف زنانه با تکنیک سوزنی

گبه (gābbā): گبه

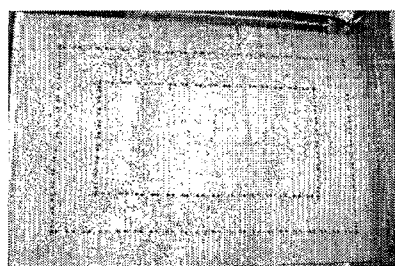
«نوعی قالی گره بافته است با پرز بسیار بلند-به بلندی

دست کم یک سانتی‌متر و پود فراوان از سه تا هشت پود در هر

رج و معمولاً درشت‌باف و مگر در نمونه‌های سفارشی و

استثنایی که هم ریزبافت است و هم در قسمت‌هایی از آن تعداد

پودها به چهارده می‌رسد.» (پرهام ۱۳۶۴، ۲۹۰)



گبه با پشم خودرنگ

قالی-گبه (qaLI-gābbā): قالی-گبه

«نوعی گبه است که پرز آن کوتاه‌تر بوده از جهت ارتفاع خامه و مقدار گوشت آن به قالی‌های

معمولی نزدیک‌تر می‌باشد. بافتن این نوع قالی در میان عشایر قشقایی و سایر ایلیات و روستاییان و حتی

باندگان شهری به ویژه در نواحی جنوبی ایران از جمله استان بوشهر رایج است.» (دانشگر ۱۳۷۲، ۴۱۹)

کینارا (KInara): کناره

«به نوعی قالی اطلاق می‌شود که ابعاد آن بین ۰/۸ تا ۱/۱۰ متر عرض و ۳ تا ۷ متر طول تغییر

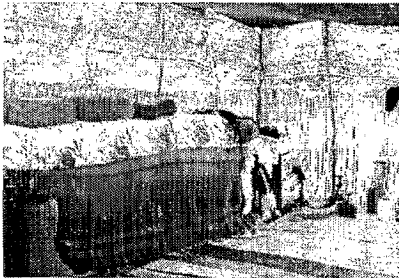
می‌کند.» (هانگلدین^۲ ۱۳۷۵، ۲۵)

^۱. Hangeldin

۲. دست‌بافته‌های پودکشی (دورویه)

آلیق (aLIq): جل زیرین الاغ، بافته کم ارزش و فرسوده که به عنوان جل زیرین مورد استفاده می‌شود.

اؤك ججیمی (ük cäcimi): جاجیمی که بر روی بار منزل کشند.



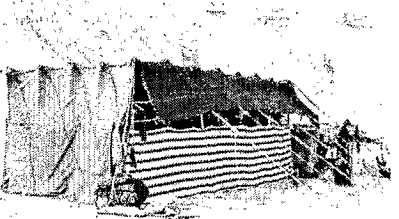
جاجیم جهت پوشاندن اسباب

اؤرتوک (örTük): جهیزیه عروس، روکش جاجیمی یا گلیمی که بر روی بار کشند. حداقل وجود یک تخته گلیم، جاجیم، قالی از لزومات جهیزیه عروس در ایل قشقای است.

اؤرتوؤ (örTü): [← اؤرتوک öRTük]

اؤرتلؤك (örTLük): [← اؤرتوک öRTük]

اٹلن (ëLän): دیواره سیاه چادر



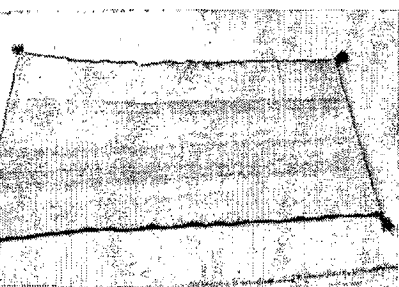
نمایی از دیواره سیاه چادر

«دیواره سیاه چادر همانند سقف از باریکه‌های متعدد

بافته و به هم متصل شده است. هر سیاه چادر دو قطعه دیواره دارد و هر قطعه به صورت جداگانه به وسیله سوزن‌ها و یا سنجاق‌های چوبی از سقف آویزان شده و به صورت عمودی قرار می‌گیرند. دیواره‌ها باید دور تا دور چادر به استثنای درب

ورودی را بپوشاند.» (کیانی ۱۳۷۷، ۱۸۵)

بوؤ پالاس (boz palas): پلاس



پلاس به عنوان زیر سفره نان پزی

«نوعی گلیم پشمی است که به کار زیرانداز و

فراهم‌سازی «سیاه چادر» برای ایلات و عشایر می‌رود.» (دانشگر ۱۳۷۲، ۱۲۱) در ایل قشقای این دست‌بافته از پشم خودرنگ و موی بز بافته می‌شود و اندازه کوچک آن به ابعاد $۱/۵ \times ۲$ متر جهت انداختن زیر سفره نان‌پزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

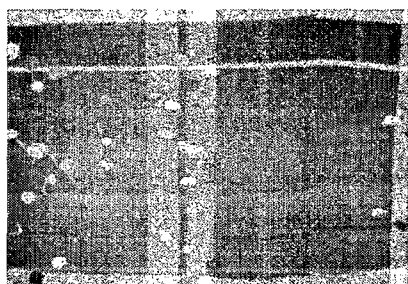
بوؤ سریک (boz särik): [← بوؤ پالاس boz palas]

بوؤتوق (boy Tuq): چادر کوچک

پالاس (Palas): [← بوؤ پالاس boz palas]

تخته (TäxTä): باریکه‌هایی که از کنار هم دوختن آن‌ها سیاه چادر تشکیل می‌شود.

جاجیم (cacIm): جاجیم



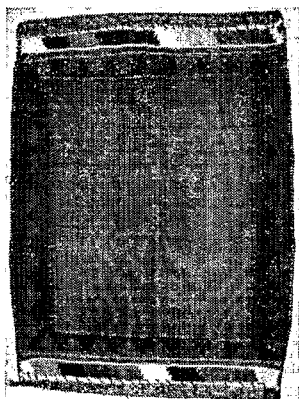
جاجیم

دست‌بافتی است «به مدد تارهای رنگارنگ نقش می‌پذیرد و گاه نیز تار و پود هر دو نقش آفرینند به اقتضای مسیر قائم تارها، طرح‌های جاجیمی همواره راه‌راه قائم است و هر نوار به یک رنگ، مگر آن‌که از پودهای رنگی هم بهره برده باشند که در این صورت بخش‌هایی از هر نوار به شکل

چهار گوش‌ها یا سه گوش‌های دورنگ در می‌آید. جاجیم‌های فارس را در دو

قطعه باریک جدا از هم می‌بافند و سپس در امتداد قائم به هم می‌دوزند.» (پرهام ۱۳۷۵، ۳۹)

جانمازی (ca nāmazi): جانمازی، سجاده



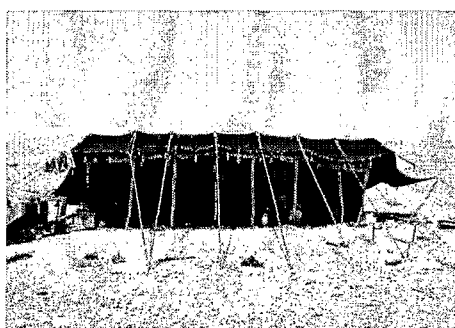
گلیمچه‌هایی حداکثر با ابعاد ۸۰×۱۲۰ سانتی‌متر با رنگ شتری بدین منظور استفاده می‌شود.

جاجیم (cācim): [← جاجیم cacIm]

ججاجیم (cēcim): [← جاجیم cacIm]

چادیر (cādIr): چادر، سیاه چادر

جانمازی به ابعاد ۴۰×۶۰ سانتیمتر

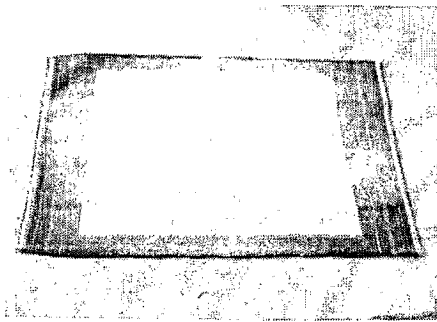


نمایی از سیاه چادر (تابستانه)

سیاه چادر که اصولاً از موی بز تهیه می‌شود مسکن

اصلی مردم ایل قشقایی است. برای تهیه سیاه چادر باریکه‌هایی به طول ۷ تا ۱۵ متر با عرض حدود ۶۰ سانتی‌متر بافته شده و سپس از ناحیه میانی به هم دوخته و اسکلت اصل چادر را تشکیل می‌دهد. «این چادرها را می‌توان در تابستان به سبک خاص و به صورت یک سراسرا و سالن برافراشت و در زمستان با تغییر و جا به جایی دیرک‌ها طوری برپا کرد که در برابر باد و باران و طوفان‌های شدید مقاومت نماید.» (کیانی ۱۳۷۱، ۱۰۳)

چۆره ك سورفاسى (cöräk sorFasI): سفره نان پزی، سفره آردی، سفره نان



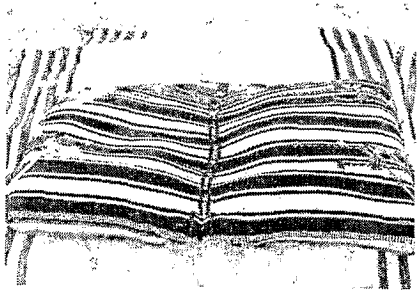
سفره نان پزی

«سفره آردی که به آن سفره نان هم می گویند

سفره ایست نسبتاً کوچک و چهار گوش به ابعاد تقریبی یک متر در یک متر این سفره را هنگام درست کردن خمیر نان زیر سینی خمیر پهن می کنند تا از ریخت و پاش آرد و خمیر بر روی زمین جلوگیری شود. سفره آردی مصرف دیگری هم دارد و آن نگهداری از نان است. به این ترتیب که وقتی نان پخته شد آن را دسته کرده و در وسط سفره

می گذارند و چهار گوشه سفره را همچون بقچه به گرد نان می کشند تا از خشک شدن نان و ریخت و پاش آن بر روی زمین جلوگیری شود. به همین علت هم هست که به سفره آردی سفره نان هم می گویند.» (تناولی ۱۳۷۰، ۲۵)

خوزا (xora): خوره آردی



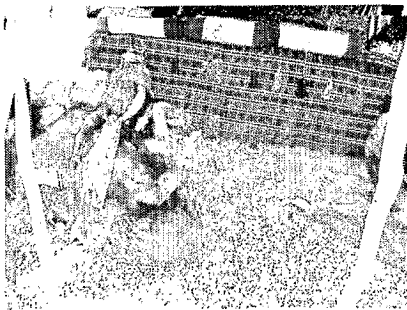
خوره آردی

خورجینی است ساده باف، دارای رنگ بندی محدود دو دستگیره به منظور جابه جایی راحت تر در طرفین دوخته شده و جهت نگهداری آرد مورد استفاده قرار می گیرد.

سرکش (särkäš):

«گلیمها و جاجیمهای بسیار دراز را برای پوشاندن اثاث و رختخوابها و ابنانهای غلات و

دیگر چیزهایی می بافند که دور چادر روی هم می چینند.» (پرهام ۱۳۷۵، ۴۰)



جاجیم سرکش

سریک (särrik): [← بوژ پالاس boz Palas]

سکیز لمه (säkiz lämä): طناب هشت لا

سو اوکاشی (su okašI): [← اوکاش okaš]

قاپئلیق (qapILlIq): باریکه ای است به پهنای حدود یک متر از جنس سیاه چادر که به منظور سایه بان قسمت جلو چادر استفاده می شود.